

مقدمه

چرا توجه به اجماع لندن برای اقتصاد ایران ضروری است؟

در دهه‌ی سوم قرن بیست و یکم، اندیشه اقتصادی جهانی وارد مرحله‌ای تازه شده است؛ مرحله‌ای که در آن پرسش‌های بنیادین درباره‌ی هدف اقتصاد، نقش دولت، رابطه سیاست و بازار، و جایگاه انسان و محیط‌زیست، دوباره بازخوانی می‌شوند. انتشار کتاب *اجماع لندن: اصول اقتصادی برای قرن بیست و یکم* توسط مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی لندن (LSE) در سال ۲۰۲۵، نمادی از این بازاندیشی جهانی است. این اثر حاصل گفت‌وگوی جمعی از برجسته‌ترین اقتصاددانان معاصر، از جمله تیم بزی، آندرس ولاسکو، دنی رودریک، فیلیپ آگیون و اولیویه بلانشار — است و می‌کوشد چشم‌اندازی تازه از نقش دولت، رفاه انسانی و تاب‌آوری اجتماعی در سیاست‌گذاری اقتصادی ترسیم کند.

برای اقتصاد ایران، توجه به اجماع لندن نه از سر تقلید نظری، بلکه از منظر درک پیامدها و بازتعریف جایگاه ملی در اقتصاد جهانی اهمیت دارد. زیرا اصول پنج‌گانه‌ی این اجماع (رفاه انسانی، رشد فراگیر و مکانی، دولت بیمه‌گر، سیاست مشارکتی، و ظرفیت نهادی دولت) بر چالش‌هایی تکیه دارد که ایران نیز با آن‌ها روبه‌روست:

- نابرابری منطقه‌ای و تمرکز رشد در چند قطب اقتصادی،
- شکنندگی معیشت و آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های اقتصادی و اقلیمی،
- ضعف در ظرفیت نهادی و اعتماد اجتماعی،
- و نیاز به تلفیق سیاست اقتصادی با پایداری زیست‌محیطی.

در شرایطی که نظام جهانی در حال حرکت از «اجماع واشنگتن» به «اجماع لندن» و هم‌زمان، از رویکردهای صرفاً رشدمحور به الگوهای عدالت‌محور و تاب‌آور است، ایران نیز باید در این گفت‌وگوی جهانی مشارکت کند تا از مصرف‌کننده‌ی سیاست‌های جهانی به خالق الگوهای بومی مبتنی بر واقعیت‌های زیست‌محیطی و اجتماعی خود تبدیل شود.

از منظر «انجمن مدیریت سبز ایران»، توجه به اجماع لندن به ما امکان می‌دهد تا از درون این تحولات، الگویی برای «اجماع سبز ایران» طراحی کنیم؛ الگویی که در آن سه‌گانه‌ی *اقتصاد، محیط‌زیست و کیفیت* در یک نظام فکری و اجرایی هم‌افزا دیده می‌شوند، و دولت، بنگاه و جامعه به‌جای تقابل، در مسیر خلق ارزش پایدار همکاری می‌کنند.

^۱ در دهه‌ی سوم قرن بیست و یکم، اقتصاد جهانی در حال عبور از مرحله‌ای تاریخی است. پس از چند دهه سلطه‌ی منطق «اجماع واشنگتن» — مبتنی بر آزادسازی، خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی دولت — اکنون بسیاری از کشورها با بحران‌های چندوجهی روبه‌رو هستند: نابرابری فزاینده، بحران اقلیم، فرسایش اعتماد اجتماعی و ناتوانی نظام‌های اقتصادی در خلق رفاه واقعی برای انسان‌ها.





چالش‌های اجماع واشنگتن از منظر زیست‌محیطی، نابرابری و توسعه انسانی

۱. زمینه تاریخی: از ثبات اقتصادی تا فرسایش اجتماعی

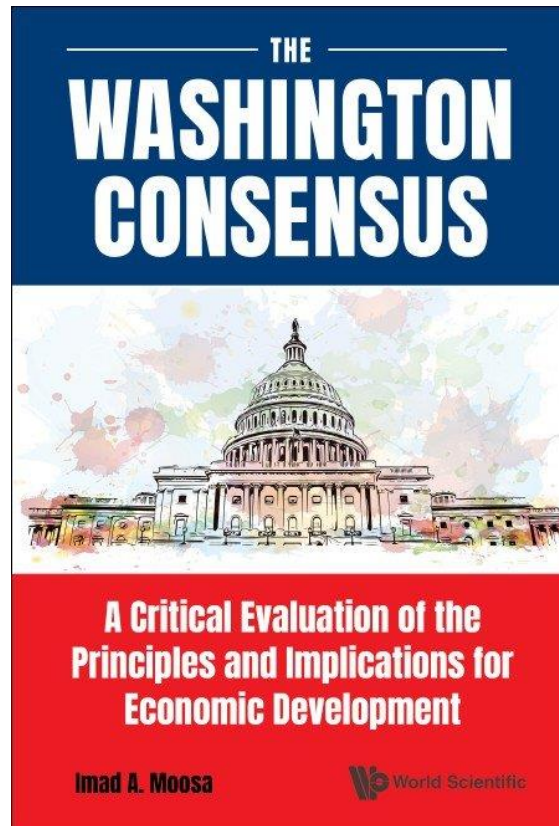
اجماع واشنگتن در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی، پس از بحران بدهی کشورهای آمریکای لاتین، با هدف اصلاح ساختارهای اقتصادی از سوی نهادهایی چون صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و وزارت خزانهداری آمریکا شکل گرفت. در ظاهر، هدف آن بازگرداندن ثبات مالی و رشد اقتصادی بود؛ اما در عمل، نسخه‌ای نولیبرالی و تک‌بعدی از توسعه را ترویج کرد — بر پایه‌ی سه محور:

۱. خصوصی‌سازی،

۲. آزادسازی تجارت و سرمایه،

۳. کوچک‌سازی دولت.

این سه سیاست، هرچند در کوتاه‌مدت برخی شاخص‌های مالی را بهبود بخشیدند، اما در بلندمدت به ناپایداری زیست‌محیطی، تشدید نابرابری و فرسایش کیفیت زندگی انسانی منجر شدند.



۲. پیامدهای زیست‌محیطی: رشد بدون مرز، زمین بدون نفس

الف) تخریب منابع طبیعی

تحت منطق اجماع واشنگتن، دولت‌ها برای جذب سرمایه و صادرات بیشتر، از کنترل زیست‌محیطی کاستند. نتیجه آن شد که:

- جنگل‌زدایی در آمریکای لاتین و جنوب شرق آسیا به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش یافت؛
- مصرف انرژی فسیلی به شدت رشد کرد؛
- خاک، منابع آب و تنوع زیستی در اثر فشار تولید صنعتی و کشاورزی صادرات‌محور، تحلیل رفتند.

ب) آلودگی و تغییر اقلیم

در غیاب سیاست‌های الزام‌آور زیست‌محیطی، صنایع پرکربن و پرآب رشد یافتند. رشد مبتنی بر صادرات مواد خام و انرژی فسیلی، انتشار CO_2 را به صورت تصاعدی بالا برد. به عبارتی، اجماع واشنگتن به اقتصادی منهای اکولوژی منجر شد — توسعه‌ای که از طبیعت خرج می‌کرد، نه با آن.



ج) کالایی سازی طبیعت

منطق بازار آزاد باعث شد منابع طبیعی (آب، جنگل، خاک، هوا) به کالاهای خصوصی تبدیل شوند. در نتیجه، طبیعت از عرصه‌ی «منفعت عمومی» به حوزه‌ی «سود خصوصی» کوچ کرد، و دولت نقش تنظیم‌گر خود را از دست داد.

۳. پیامدهای اجتماعی و انسانی: نابرابری و فرسایش سرمایه اجتماعی

الف) شکاف طبقاتی

حذف یارانه‌ها، آزادسازی قیمت‌ها و تمرکز بر رشد صادراتی، موجب شد:

- اقشار فرودست هزینه‌های بیشتری برای آموزش، سلامت و انرژی بپردازند؛
- در مقابل، بنگاه‌های بزرگ و طبقات بالای سرمایه‌دار از کاهش مالیات و آزادسازی سود بردند. این فرآیند در بسیاری از کشورها، شکاف میان دهک‌های بالا و پایین در آمدی را دو تا سه برابر کرد.

ب) تمرکز رشد در مناطق خاص

منطق بازاری و تمرکز سرمایه در کلان‌شهرها باعث شد رشد اقتصادی به چند شهر بزرگ محدود شود، درحالی‌که مناطق روستایی و پیرامونی به فقر ساختاری دچار شدند. به این ترتیب، نابرابری جغرافیایی نیز به نابرابری طبقاتی پیوند خورد.

ج) فرسایش اعتماد اجتماعی

با کوچک‌سازی دولت و کاهش خدمات عمومی، شهروندان احساس کردند در برابر نوسانات اقتصادی بی‌دفاع‌اند. افزایش بیکاری، ناامنی شغلی، و کاهش حمایت‌های اجتماعی منجر به افول اعتماد عمومی به نهادهای اقتصادی و سیاسی شد.

۴. پیامدهای نهادی و سیاستی: اقتصاد بدون انسان، دولت بدون مسئولیت

الف) تضعیف دولت توسعه‌گرا

در منطق اجماع واشنگتن، دولت تنها ناظر بازار است نه راهبر توسعه. این امر در بسیاری از کشورها باعث فروپاشی ظرفیت‌های اجرایی و کاهش توان حاکمیتی شد — به‌ویژه در حوزه‌هایی چون محیط‌زیست، آموزش و زیرساخت اجتماعی.

ب) نادیده گرفتن ابعاد انسانی توسعه

اجماع واشنگتن شاخص «رشد تولید ناخالص داخلی» را مترادف با پیشرفت دانست، درحالی‌که شاخص‌هایی چون رفاه، رضایت، سلامت روانی و کیفیت محیط زندگی نادیده گرفته شدند.

m





ج) وابستگی ساختاری به سرمایه خارجی

آزادسازی مالی و تجاری، کشورها را در برابر نوسانات جهانی آسیب‌پذیر کرد. در نتیجه، حتی شوک‌های بیرونی (قیمت نفت، بحران بانکی) به سرعت به بحران اجتماعی داخلی تبدیل می‌شدند.

۵. پیامدهای راهبردی برای آینده:

تجربه چهل‌ساله اجماع واشنگتن نشان داد که رشد اقتصادی بدون ملاحظات انسانی و زیست‌محیطی، پایداری ندارد. به جای توسعه، بسیاری از کشورها به چرخه‌ای گرفتار شدند که می‌توان آن را چنین خلاصه کرد:

رشد → تخریب محیط → نابرابری → بی‌ثباتی سیاسی → رکود → بحران اعتماد → بازهم نسخه‌های تعدیل جدید
این چرخه نه تنها توسعه‌زا نبود، بلکه بنیان‌های اخلاقی و زیستی جوامع را تضعیف کرد.

۶. جمع‌بندی: چرا باید از اجماع واشنگتن عبور کرد

اجماع واشنگتن اقتصاد را از جامعه و طبیعت جدا کرد؛ درحالی‌که جهان امروز می‌داند اقتصاد بدون انسان و بدون اکوسیستم، دوام ندارد. به همین دلیل، اندیشه‌های جدید مانند اجماع لندن و اجماع نیویورک در پی بازگرداندن انسان، عدالت و محیط‌زیست به مرکز تصمیم‌گیری اقتصادی‌اند.

نتیجه برای ایران

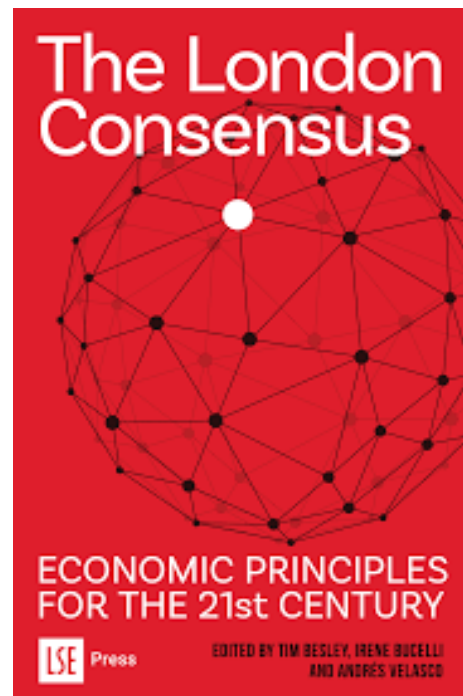
برای ایران، شناخت تجربه‌ی شکست‌های زیست‌محیطی و اجتماعی اجماع واشنگتن اهمیت دوچندان دارد. زیرا ما نیز با چالش‌هایی مشابه، تمرکزگرایی، مصرف بالای انرژی و آب، نابرابری منطقه‌ای و شکنندگی نهادی — روبه‌رو هستیم. درس بزرگ این تجربه آن است که هیچ اصلاح اقتصادی موفق نمی‌شود مگر آن که هم‌زمان به پایداری محیط‌زیست، کرامت انسانی و کارایی نهادی بیندیشد.



پنج اصل محوری اجماع لندن در یک نگاه

خلاصه‌ای از پنج اصل کلیدی اجماع لندن به شرح زیر است:

۱. هدف نهایی، رفاه انسانی است نه صرفاً رشد عددی.
تمرکز بر کیفیت زندگی، کرامت، امنیت و فرصت‌های برابر، و نه صرفاً افزایش تولید یا GDP. نابرابری باید در مرحله «شکل‌گیری»، و از طریق پیش‌توزیع، مهار شود.
۲. رشد و مکان اهمیت دارند.
رشد باید در سراسر مناطق و بین همه اقشار جامعه توزیع شود؛ سیاست‌های صنعتی و فناوری باید به توسعه متوازن و یادگیری منطقه‌ای بینجامند.
۳. دولت به‌عنوان بیمه‌گر نهایی.
در دنیایی پر از شوک‌های مالی، اقلیمی و بهداشتی، دولت باید با ساختارهای تاب‌آور و نظام‌های بیمه‌ای گسترده از شهروندان حمایت کند.
۴. سیاست خوب شرط اقتصاد خوب است.
مشروعیت، شفافیت و مشارکت عمومی برای موفقیت سیاست‌های اقتصادی حیاتی‌اند؛ اصلاحات پایدار نیازمند اعتماد و پاسخ‌گویی است.
۵. دولت توانمند پیش‌شرط توسعه است.
دولتی کارآمد، شفاف و مجهز به ظرفیت اجرایی بالا، زیربنای موفقیت در هر عرصه اقتصادی، اجتماعی یا زیست‌محیطی است.



"اجماع لندن" را می‌توان تلاشی دانست برای تلفیق اقتصاد و سیاست در خدمت رفاه انسانی، با الهام از تجربه‌های دهه‌های اخیر. این رویکرد در برابر نسخه‌های تک‌بعدی نولیبرالی می‌ایستد و به نوعی می‌کوشد «اقتصاد سیاسی انسانی‌تر» را برای قرن بیست‌ویکم بازسازی کند.



مقایسه‌ای تطبیقی: اجماع لندن، اجماع واشینگتن

چگونه نگاه اقتصاددانان از نسخه‌ی نولیبرالی دهه ۱۹۸۰ به سمت یک دیدگاه انسانی‌تر، سیاسی‌تر و نهادمحور در قرن ۲۱ تغییر کرده است:

محور مقایسه	اجماع واشینگتن (دهه ۱۹۸۰-۱۹۹۰)	اجماع لندن (۲۰۲۴-)
هدف اصلی اقتصاد	رشد اقتصادی و افزایش تولید ناخالص داخلی (GDP)	رفاه انسانی، کیفیت زندگی، کرامت و فرصت برابر
نگاه به نابرابری	نابرابری طبیعی و قابل اصلاح از طریق بازتوزیع مالی (مالیات و یارانه)	نابرابری باید در مرحله‌ی تولید و اشتغال مهار شود (پیش‌توزیع)
نقش دولت	دولت کوچک، تمرکز بر سیاست‌های تثبیت کلان (تورم، بودجه)	دولت فعال، بیمه‌گر نهایی در برابر شوک‌ها و عامل تاب‌آوری
نقش بازار	بازار آزاد کارآمدترین تخصیص‌دهنده‌ی منابع است	بازار مهم است ولی بدون سیاست و نهاد قوی، ناعادلانه و شکننده می‌شود
سیاست‌گذاری منطقه‌ای	بی‌توجه به تفاوت‌های مکانی و اجتماعی؛ تمرکز بر میانگین‌ها	رشد باید فراگیر و منطقه‌محور باشد؛ عدالت جغرافیایی حیاتی است
رویکرد به اصلاحات اقتصادی	از بالا به پایین، فنی و تکنوکراتیک	مشارکتی، دموکراتیک و با تکیه بر مشروعیت سیاسی و اعتماد عمومی
نهادهای اقتصادی	فرض بر کفایت نهادهای بازار (خصوصی‌سازی، آزادسازی، انضباط مالی)	سرمایه‌گذاری در ظرفیت و مشروعیت دولت به‌عنوان زیرساخت توسعه
تعامل اقتصاد و سیاست	اقتصاد مستقل از سیاست؛ تمرکز بر کارایی فنی	اقتصاد بدون سیاست خوب ممکن نیست؛ شفافیت و پاسخ‌گویی حیاتی است
نگاه به جهانی‌سازی	ادغام کامل در بازار جهانی و آزادسازی تجارت	جهانی‌سازی هوشمند و متوازن؛ حمایت از ظرفیت‌های داخلی و یادگیری محلی
الهام نظری	نولیبرالیسم و اقتصاد بازار آزاد (فریدمن، بانک جهانی، IMF)	نهادگرایی مدرن و اقتصاد سیاسی رفاه (بلانشار، رودریک، بزلی، آگیون)

اجماع واشینگتن در پی کنترل تورم، خصوصی‌سازی و آزادسازی بود؛ هدفش کارایی اقتصادی بود، نه عدالت یا انسجام اجتماعی. اجماع لندن واکنشی به کاستی‌های آن است: بر عدالت، تاب‌آوری، سیاست مشارکتی و ظرفیت دولت تأکید دارد. به عبارت دیگر، اجماع لندن اقتصاد را از علم تخصیص منابع به هنر ساختن جامعه‌ای پایدار و عادلانه ارتقا می‌دهد.



چرا اجماع لندن برای کشورهای در حال توسعه بویژه برای ایران مهم است؟

- اقتصاد نفت محور، شوک پذیر و نابرابر جغرافیایی داریم؛ رشد میانگین بدون عدالت منطقه‌ای، مهاجرت و نارضایتی می‌آورد.
- غلبه سیاست بر اقتصاد اگر شفاف و پاسخ‌گو نباشد، هر نسخه فنی را فرسوده می‌کند.
- ظرفیت دولت (دیجیتال، مالیاتی، آماری، نظارتی) تعیین‌کننده نتیجه هر اصلاحی است.

(۱) «پیش‌توزیع» به جای صرفاً بازتوزیع

هدف: ریشه‌ی نابرابری را در مرحله تولید و اشتغال بزنیم.

اقدام‌های کلیدی

- رقابت و ضدانحصار: مهار رانت‌های ورودی (مجوزها، انحصار واردات/توزیع، امتیازات شبه‌انحصاری).
- بازار کار توانمندساز: بیمه بیکاری هدفمند + خدمات کاریابی و مهارت‌آموزی مبتنی بر شغل (outcomes-based).
- سرمایه انسانی: تمرکز بودجه آموزشی بر مهارت‌های تقاضامحور (فنی-حرفه‌ای، دیجیتال، انرژی‌های نو).
- تأمین مالی بنگاه‌های کوچک/میان: (SME) ضمانت‌های اعتباری، فکتورینگ و تأمین مالی زنجیره تأمین به جای وام‌های رابطه‌ای.
- سیاست‌های مالکیت داده و پلتفرم‌ها: دسترسی عادلانه کسب و کارهای کوچک به زیرساخت‌های پرداخت/لجستیک/ابر.

شاخص‌های پایش

- سهم بنگاه‌های ۱۰-۲۰ نفر از اشتغال صنعتی، نرخ ورود/خروج بنگاه، شاخص غلظت بازار (HHI)، نرخ تبدیل دوره‌های مهارت به شغل ظرف ۶ ماه.

(۲) رشد مکان محور (عدالت جغرافیایی)

هدف: رشد فقط در چند کلان‌شهر متمرکز نماند.

اقدام‌های کلیدی

- خوشه‌های صنعتی/فناورانه منطقه‌ای: انتخاب ۸-۱۰ مزیت نسبی (مثلاً قطعه‌سازی و ماشین‌آلات، پتروشیمی پایین‌دستی، گردشگری سلامت، زعفران/پسته با فراآوری، IT/ابرون‌سپاری).
- زیرساخت اتصال‌گرا: راه‌آهن باری، دالان‌های لجستیک سردخانه‌ای برای کشاورزی، اینترنت پرسرعت در ۱۰۰ شهرستان کم‌برخوردار.
- دانشگاه-بنگاه-شهرداری: بودجه‌های رقابتی پروژه‌های مسئله‌محور شهری/منطقه‌ای (R&D با هم‌سرمایه‌گذاری محلی).
- خدمات عمومی پایه معادل: استاندارد حداقلی آموزش/بهداشت/حمل‌ونقل محلی، بودجه‌ریزی فرمول‌محور بر پایه جمعیت و محرومیت.



شاخص‌های پایش

- شکاف بهره‌وری و دستمزد شهرهای غیرمرکز نسبت به پایتخت، نرخ اشتغال جوانان در استان‌های هدف، زمان و هزینه حمل تا بندر/مرکز مصرف.

۳) دولت به عنوان بیمه‌گر نهایی و تاب‌آوری

هدف: کاهش ریسک‌های خرد خانوار و شوک‌های کلان.

اقدام‌های کلیدی

- بیمه بیکاری و برنامه‌های فعال بازار کار یکپارچه با داده‌های مالیاتی/تأمین اجتماعی.
- بیمه سلامت مالی پایدار: خرید راهبردی خدمات، راهنمای بالینی، پرونده الکترونیک سلامت سراسری.
- تاب‌آوری اقلیمی: بیمه کشاورزی هوشمند (شاخصی/اقلیمی)، آبیاری کارآمد، قیمت‌گذاری آب صنعتی/کشاورزی با حمایت هدفمند.
- ثبات مالی: آزمون فشار بانکی، قطع اتصال بودجه به شوک نفت با قاعده مالی (صندوق تثبیت).

شاخص‌های پایش

- هزینه فاجعه‌بار سلامت (%/خانوار)، مدت بیکاری متوسط، نسبت مطالبات غیرجاری بانکی، ضریب نوسان بودجه جاری.

۴) سیاست خوب: مشروعیت، مشارکت، شفافیت

هدف: دوام اصلاحات.

اقدام‌های کلیدی

- بودجه شفاف بلادرنگ: داشبورد آنلاین پرداخت‌ها/تخصیص‌ها، قراردادهای دولتی، ذی‌نفع‌نهایی پیمانکاران.
- مشارکت ذی‌نفعان: اتاق‌های فکر استانی، انتشار پیش‌نویس سیاست‌ها و جمع‌سپاری نظر، گزارش اثرات توزیعی.
- ارتباطات دولتی مبتنی بر شاخص: هدف‌گذاری‌های قابل‌سنجش + گزارش فصلی پیشرفت (success/fail) با توضیح.

∞

شاخص‌های پایش

- شاخص شفافیت تدارکات، درصد سیاست‌هایی با ارزیابی اثرات، نظرسنجی اعتماد عمومی به نهادهای اقتصادی.

۵) ظرفیت دولت: «زیرساخت نهادی توسعه»

هدف: توان اجرا قبل از تزریق سیاست.



اقدام‌های کلیدی

- دیجیتال‌دولت یکپارچه: شناسه یکتای اقتصادی، پنجره واحد مجوزها، پرداخت/دریافت الکترونیک؛ حذف استعلام‌های کاغذی.
- نظام مالیات مدرن: مالیات بر مجموع درآمد اشخاص، پایگاه‌های داده تراکنش/املاک/وسایل نقلیه، صورتحساب الکترونیک فراگیر، مقابله با فرار/اجتناب.
- حاکمیت بنگاه‌های دولتی/خصوصیتی: هیأت‌مدیره‌های مستقل، افشای مالی استاندارد IFRS، بودجه عملکردی، توقف تکالیف غیربازاری.
- آمارهای باکیفیت: استقلال آماری، دسترسی پژوهشگران به داده‌های ناشناس برای ارزیابی سیاست.

شاخص‌های پایش

- رشد پایه مالیاتی غیرنفتی، زمان/هزینه شروع کسب‌وکار، سهم معاملات با صورت‌حساب الکترونیک، تعداد و کیفیت ارزیابی‌های پس از اجرا (ex-post).



نقد زیست محیطی اجماع لندن

"اقتصاد بدون زمین: چرا اجماع لندن هنوز از بحران اقلیم عبور نکرده است"

اجماع لندن می‌کوشد «اقتصاد را در خدمت رفاه انسانی» بازتعریف کند، اما در این بازتعریف، زمین، اقلیم و اکوسیستم جهانی همچنان در حاشیه مانده‌اند. در حالی که ما اکنون در دوران «آنتروپوسین» یا **عصر انسان‌زاد** زندگی می‌کنیم — عصری که مرزهای زیست‌کره (Planetary Boundaries) یکی‌یکی در حال عبورند:

- افزایش میانگین دمای زمین به بیش از ۱/۳ درجه،
- اسیدی شدن اقیانوس‌ها،
- نابودی ۶۸٪ از جمعیت گونه‌های وحشی طی ۵۰ سال اخیر،
- بحران انرژی و ناترازی اکولوژیکی در چرخه: آب و خاک.

در چنین شرایطی، هر اجماع اقتصادی که هنوز رشد را مقدم بر ترمیم زیست‌کره بداند، ناگزیر در منطق بحران باقی می‌ماند.

نقد بر پنج اصل اجماع لندن از منظر زیست محیطی و اقلیمی

پیامد اقلیمی محتمل	نقد زیست محیطی حرفه‌ای	اصل اجماع لندن
افزایش گرمایش جهانی و بحران سلامت ناشی از آلودگی هوا و آب حتی در جوامعی با رشد اقتصادی بالا.	مفهوم «رفاه» در اجماع لندن به درستی از رشد عددی فراتر می‌رود، اما هنوز رفاه اکولوژیک را تعریف نمی‌کند. رفاه انسانی بدون سلامت خاک، هوا و آب، توهمی زودگذر است. اجماع لندن از رابطه: مستقیم میان تخریب زیست محیطی و رنج انسانی غافل است.	۱. رفاه انسانی به عنوان هدف اقتصاد
خطر انتقال آلودگی و مصرف انرژی از کلان‌شهرها به مناطق پیرامونی؛ تخریب زیستگاه‌های جدید.	تمرکز بر رشد منطقه‌ای و عدالت جغرافیایی مثبت است، اما منطق آن هنوز «توسعه: بیشتر» است نه «مصرف کمتر». این رویکرد، رد پای کربن منطقه‌ای را افزایش می‌دهد، مگر اینکه رشد با کربن‌زدایی ساختاری همراه شود.	۲. رشد و مکان



پیامد اقلیمی محتمل	نقد زیست‌محیطی حرفه‌ای	اصل اجماع لندن
هزینه‌های هنگفت جبران بلایای طبیعی و بحران تاب‌آوری زیرساخت‌ها در برابر تغییر اقلیم.	نقش دولت به‌درستی در برابر شوک‌های اقتصادی و اجتماعی تعریف شده، اما شوک اقلیمی (سیلاب، خشکسالی، مهاجرت زیست‌محیطی) در طراحی این اصل غایب است. دولت بیمه‌گر اقلیم باید بخشی از مأموریت باشد، نه صرفاً اقتصادی.	۳. دولت بیمه‌گر نهایی
سیاست‌گذاری‌های اقلیمی به‌دلیل فشارهای کوتاه‌مدت سیاسی عقب می‌مانند.	شفافیت و مشارکت اجتماعی ارزشمند است، اما هیچ اشاره‌ای به دموکراسی زیست‌محیطی یا عدالت اقلیمی ندارد. مشارکت اگر فقط اقتصادی باشد، طبیعت صدایی نخواهد داشت.	۴. سیاست خوب، پیش‌شرط اقتصاد خوب
تداوم ناترازی انرژی، آب و خاک در کشورها حتی با دولت‌های کارآمد اقتصادی.	تمرکز بر توان نهادی، اما نه در جهت مدیریت اقلیم، انرژی و منابع طبیعی. اجماع لندن هنوز دولت را به‌عنوان نهاد اقتصادی می‌بیند، نه به‌عنوان نگهبان اکوسیستم ملی.	۵. ظرفیت نهادی دولت

نقد کلان: پنج کاستی اصلی از منظر زیست‌محیطی

۱. غیبت مفهوم ظرفیت زیستی (Biocapacity)

اجماع لندن ظرفیت زیستی کره: زمین را به‌عنوان محدودکننده: رشد به رسمیت نمی‌شناسد. هیچ اشاره‌ای به «اقتصاد درون مرزهای سیاره‌ای (Economy within Planetary Boundaries)» ندارد.

۲. تداوم منطق رشدمحور (Growth Dependency)

هرچند رشد را انسانی‌تر می‌خواهد، اما هنوز آن را پیش‌شرط رفاه می‌داند. این همان منطق خطی توسعه است که از منابع فیزیکی بی‌پایان فرضی تغذیه می‌کند.

۳. بی‌توجهی به انرژی و کربن

نه از ناترازی انرژی سخن می‌گوید، نه از گذار به انرژی‌های پاک. در جهان امروز که ۷۵٪ گازهای گلخانه‌ای از بخش انرژی می‌آید، چنین سکوتی ضعف بنیادین است.

۴. نبود سیاست‌های عدالت اقلیمی (Climate Justice)

اجماع لندن از توزیع درآمد حرف می‌زند، اما نه از توزیع عادلانه: هزینه‌های اقلیم؛ در حالی که فقیرترین جوامع بیشترین آسیب را از گرمایش می‌بینند.

۵. فقدان منطق اکوسیستمی در طراحی نهادها

ساختار نهادی دولت و بازار در این اجماع هنوز بر منطق صنعتی سده: بیستم استوار است، نه بر منطق اکوسیستمی که نیازمند بازچرخانی منابع و تصمیم‌گیری چندسطحی است.



پیامدهای جهانی در صورت تداوم این منطق

اگر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، اجماع لندن را بدون اصلاح زیست محیطی بپذیرند، سه روند تشدید می شود:

- شتاب در گذر از مرزهای زیستی سیاره: افزایش CO₂، مصرف مواد معدنی و فشار بر اکوسیستم های دریایی و خاکی.
- بحران مهاجرت اقلیمی: میلیون ها نفر به دلیل خشکسالی، سیلاب و کمبود آب مجبور به جابه جایی خواهند شد.
- دوپارگی جدید جهانی: میان کشورهایی با توان مالی برای سازگاری با اقلیم و کشورهایی که فاقد زیرساخت تاب آوری اند.

به بیان دیگر، اگر اجماع لندن به «اجماع اقلیم لندن» تبدیل نشود، ممکن است به جای حل بحران های قرن بیست و یکم، آن ها را در قالبی تازه بازتولید کند.

نتیجه گیری تحلیلی

از دیدگاه انجمن مدیریت سبز ایران، اجماع لندن گامی رو به جلو در انسان محوری اقتصاد است، اما هنوز از زیست محوری (Eco-centrism) فاصله دارد. این الگو می تواند نقطه: شروعی برای گفت و گوی جهانی باشد، مشروط بر آن که به اصول زیر مجهز شود:

۱. پذیرش «مرزهای سیاره ای» به عنوان قیود اصلی سیاست اقتصادی.
۲. گنجاندن شاخص های رد پای کربن، انرژی و آب در ارزیابی رفاه.
۳. افزودن «عدالت اقلیمی» به کنار عدالت اجتماعی.
۴. بازتعریف دولت به عنوان مدیر اکوسیستم ملی.
۵. طراحی نظام مالی و سرمایه گذاری سبز به جای رشد کمی سرمایه.



ریسک‌های ایران اگر اجماع لندن را «همان‌طور که هست» پیاده کنیم

اجماع لندن (با پنج اصل رفاه، رشد مکانی، دولت بیمه‌گر، سیاست خوب، ظرفیت دولت) اگر بدون ستون اقلیمی/منابع اجرا شود، در ایران دچار ناترازی انرژی، بحران آب و افت سرمایه اجتماعی، این ریسک‌ها را تشدید می‌کند:

- **رشد مکان محور بدون کربن‌زدایی ساختاری** → انتقال آلودگی از مراکز به پیرامون، رشد ردپای کربن/آب در استان‌های کم‌برخوردار، فشار تازه بر اکوسیستم‌های بکر.
- **دولت بیمه‌گر فقط اقتصادی** → هزینه‌های جبران سیلاب/خشکسالی/ریزگرد به بودجه: عمومی تحمیل می‌شود بی‌آن‌که منشأ ریسک (کربن و آب) مدیریت شود.
- **ظرفیت‌سازی نهادی صرفاً اقتصادی** → ناترازی انرژی (برق/گاز) و آب پابرجا می‌ماند؛ چون «ظرفیت اقلیمی-منابع» به‌عنوان مأموریت اصلی دولت تعریف نشده است.
- **سیاست خوب بدون عدالت اقلیمی** → تصمیم‌های خوش‌صدای اقتصادی اما پرهزینه برای مناطق خشک/فقیر؛ بی‌اعتمادی اجتماعی بیشتر.
- **رفاه انسانی بدون «رفاه اکولوژیک»** → «بهبود کوتاه‌مدت معیشت، اما بدتر شدن کیفیت هوا/آب/خاک و بیماری‌های مرتبط».

ایران: کجا باید «اجماع لندن» را سبز/اقلیمی کنیم؟

برای اینکه این اصول در ایران به تشدید بحران منجر نشوند، باید هر اصل را با قیدهای اقلیمی-منابع بازنویسی کنیم:

اصل ۱ (رفاه انسانی) → رفاه اکولوژیک-انسانی

- KPI های رفاه باید شدت کربن (kgCO_2e) واحد محصول (، شدت آب/L) واحد (و کیفیت هوا/آب را در کنار درآمد اندازه بگیرند).
- ابزار: استقرار نظام محاسبه: ردپای کربن/آب و گزارش‌دهی منظم سازمانی ISO 14064 برای کربن، ISO 14046 برای آب؛ این‌ها در محتوای آموزشی شما به‌عنوان ستون‌های الزامی معرفی شده‌اند.

اصل ۲ (رشد و مکان) → رشد مکان محور کم کربن و کم آب

- هر خوشه/منطقه: هدف باید سقف‌های منابع داشته باشد (Budget کربن و آب).
- پروژه‌های «اقتصاد چرخه‌ای» (بازچرخانی آب، بازیافت حرارت، کنترل نمک/لجن/آلاینده‌های نوظهور) باید جزء طراحی اجباری باشد — وگرنه بازچرخانی خودش می‌تواند آلاینده شود.



اصل ۳ (دولت بیمه گر) → دولت بیمه گر اقلیم/منابع

- بیمه: بیکاری و تثبیت کلان کافی نیست؛ باید «بیمه: خشکسالی/سیلاب»، «صندوق سازگاری»، و استانداردگذاری انرژی-آب همزمان پیش برود، ممیزی انرژی، قاعده: کارایی.
- هر طرح بازچرخانی/تصفیه باید «تراز انرژی-کربن» مثبت داشته باشد (جمع آوری متان، مدیریت نمک/لجن).

اصل ۴ (سیاست خوب) → سیاست خوب با عدالت اقلیمی

- «دموکراسی زیست محیطی»: شفافیت قراردادهای منابع، انتشار عمومی KPI های کربن/آب/آلودگی در داشبورد؛ مشارکت ذی نفعان محلی. (الگوی «فرم هوش سبز» شما همان داشبوردی است که می خواهیم).

اصل ۵ (ظرفیت دولت) → ظرفیت دولت برای مدیریت اقلیم/آب/انرژی

- بازتعریف ظرفیت: نهاد انرژی و آب باید مدیر اکوسیستم باشد، نه صرفاً تأمین کننده. برنامه: ممیزی انرژی، بازیافت حرارت (WHR)، اینورتر، LED و طرح های کاهش کربن باید استاندارد عملیاتی بشوند.

جمع بندی

- اگر اجماع لندن را بدون ستون اقلیم/منابع در ایران اجرا کنیم، ریسک تشدید ناترازی انرژی، آب و آلودگی وجود دارد.
- نسخه: بومی درست، "اجماع لندن سبز برای ایران" است: رشد مکان محور اما کم کربن/کم آب، دولت بیمه گر اما اقلیمی، ظرفیت دولت اما برای مدیریت منابع، سیاست خوب اما با عدالت اقلیمی، و رفاه اما با رفاه اکولوژیک.
- ابزارهای اجرای این نسخه—استانداردهای انرژی/کربن/آب، پروژه های بهره وری و «فرم هوش سبز» برای داشبورد—در اسناد شما موجود است و می توان فوراً عملیاتی کرد.

